

فصلنامه رهیافت‌های نوین در مطالعات اسلامی

License Number: 85625

Article Cod: SH26R9352001

ISSN-P: 2676-6442

انتقال سهام بانام شرکت از طریق قراردادهای عادی

و نحوه صحیح مالکیت

(تاریخ دریافت ۱۴۰۵/۰۱/۲۵ تاریخ تصویب ۱۴۰۵/۰۲/۰۴)

کامبیز جعفری

وکیل پایه یک دادگستری

چکیده

هدف این پژوهش بررسی ماهیت حقوقی انتقال سهام بانام از طریق قراردادهای عادی و تعیین معیار «مالکیت صحیح» در حقوق ایران است. پرسشی که به واسطه تعارض میان قواعد عمومی قراردادهای و مقررات آمره شرکت‌های سهامی، یکی از مناقشه‌برانگیزترین مباحث حقوق تجارت محسوب می‌شود. از یک سو، اصل حاکمیت اراده و رضایی بودن عقود اقتضا می‌کند که توافق عادی میان انتقال‌دهنده و انتقال‌گیرنده سبب تحقق تملیک شود. اما از سوی دیگر، لایحه اصلاحی قانون تجارت ثبت انتقال در دفتر سهام را شرط شناسایی سهامدار در برابر شرکت و اشخاص ثالث می‌داند. این دوگانگی وضعیت حقوقی مالکیت را در روابط بین‌الطرفین، در برابر شرکت و در برابر ثالث به طور متفاوت تحت تأثیر قرار می‌دهد. روش پژوهش مبتنی بر تحلیل توصیفی-تحلیلی، بررسی نظری و انتقادی مقررات، مطالعه تطبیقی محدود و تحلیل روبه قضایی است. یافته‌ها نشان می‌دهد که قرارداد عادی میان طرفین معتبر و غالباً ناقل تعهد یا حتی ناقل مالکیت در روابط داخلی است، اما برای ایجاد مالکیت قابل استناد در سطح سازمانی و مقابل اشخاص ثالث، ثبت در دفتر سهام ضرورت دارد. بنابراین، انتقال سهام بانام در حقوق ایران ماهیتی «دوگانه و ترکیبی» دارد که در آن مالکیت قراردادی بدون ثبت کافی نیست و تنها مالکیت ثبتی است که آثار حقوقی کامل و حمایت قانونی را ایجاد

می کند. در پژوهش راهکارهایی در سطح تقنینی، اجرایی و قراردادی ارائه می کند. از جمله پیش بینی سامانه الکترونیکی ثبت انتقالات، شفاف سازی ضمانت اجراهای عدم ثبت، و درج شروط صریح در قراردادها برای کاهش دعاوی معاملات معارض و ارتقای امنیت حقوقی.

واژگان کلیدی: سهام بانام، قرارداد عادی، دفتر ثبت سهام، انتقال سهم، مالکیت صحیح، حقوق شرکت ها

مقدمه

در نظام های اقتصادی معاصر، شرکت های سهامی به عنوان یکی از مهم ترین قالب های سازمان دهی فعالیت های اقتصادی، نقش اساسی در بسیج سرمایه ها، توسعه فعالیت های تولیدی و تجاری و تسهیل مشارکت اشخاص در فرآیندهای اقتصادی ایفا می کنند. ویژگی هایی همچون قابلیت تجمع سرمایه های خرد، امکان مشارکت تعداد زیادی از سرمایه گذاران، تفکیک مالکیت از مدیریت و قابلیت انتقال سهم، موجب شده است که شرکت های سهامی به یکی از کارآمدترین ابزارهای حقوقی برای توسعه اقتصادی تبدیل شوند. در این ساختار، «سهم» به عنوان واحد بیانگر مالکیت در سرمایه شرکت، جایگاهی محوری دارد و رابطه حقوقی میان سهامدار و شرکت را تعریف می کند. هر سهم نمایانگر بخشی از سرمایه شرکت است و دارنده آن از مجموعه ای از حقوق مالی و غیرمالی از جمله حق دریافت سود، حق مشارکت در مجامع عمومی، حق رأی و حق نظارت بر اداره شرکت برخوردار می شود. در میان انواع مختلف سهام، سهام بانام از جایگاه ویژه ای برخوردار است. زیرا مالکیت آن به نام شخص معین در اسناد شرکت ثبت می شود و انتقال آن نیز تابع قواعد و تشریفات مشخصی است. این نوع سهام برخلاف سهام بی نام که انتقال آن غالباً با قبض و اقباض صورت می گیرد، مستلزم ثبت انتقال در دفتر ثبت سهام شرکت است. این ویژگی سبب می شود که هویت دارنده

سهام برای شرکت و سایر ذی‌نفعان قابل شناسایی باشد و از بروز بسیاری از ابهامات و اختلافات در زمینه مالکیت و اعمال حقوق سهامداری جلوگیری شود. از همین رو، قانونگذار در مقررات مربوط به شرکت‌های سهامی، به‌ویژه در لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت، برای انتقال سهام بانام سازوکار مشخصی پیش‌بینی کرده است که هدف آن حفظ نظم حقوقی در ساختار مالکیت شرکت و حمایت از حقوق سهامداران و اشخاص ثالث است. با وجود این چارچوب قانونی، در عمل مشاهده می‌شود که انتقال سهام بانام در بسیاری از شرکت‌ها، به‌ویژه شرکت‌های سهامی خاص و شرکت‌های غیربورسی، از طریق قراردادهای عادی میان اشخاص انجام می‌گیرد. در این نوع معاملات، طرفین با تنظیم یک قرارداد خصوصی، نسبت به انتقال سهم توافق می‌کنند و گاه تصور می‌شود که همین توافق برای تحقق انتقال مالکیت کافی است. در حالی که از منظر حقوق شرکت‌ها، انتقال سهم نه تنها یک رابطه قراردادی میان فروشنده و خریدار، بلکه تغییری در ساختار مالکیت شرکت نیز محسوب می‌شود و به همین دلیل قانونگذار برای تحقق آن تشریفات خاصی را مقرر کرده است. عدم توجه به این تشریفات می‌تواند پیامدهای حقوقی قابل توجهی به همراه داشته باشد و زمینه‌ساز بروز اختلافات متعدد میان طرفین معامله، شرکت و حتی اشخاص ثالث شود.

یکی از مهم‌ترین مسائل مطرح در این زمینه، تعیین حدود اعتبار قرارداد عادی انتقال سهام بانام است. پرسش اساسی این است که آیا چنین قراردادی به‌تنهایی موجب انتقال مالکیت سهم می‌شود یا آنکه صرفاً تعهدی برای انتقال ایجاد می‌کند و تحقق کامل مالکیت مستلزم ثبت انتقال در دفتر سهام شرکت است. پاسخ به این پرسش، آثار مهمی در روابط حقوقی میان طرفین قرارداد، شرکت و اشخاص ثالث دارد. برای مثال، اگر فروشنده پس از انعقاد قرارداد عادی همچنان در دفتر سهام به‌عنوان مالک ثبت شده باشد، این احتمال وجود دارد که طلبکاران او سهام را توقیف کنند یا حتی انتقال‌های دیگری نسبت به همان سهم صورت گیرد. در چنین وضعیتی، تعیین اینکه کدام شخص مالک واقعی سهم محسوب می‌شود و چه کسی می‌تواند حقوق ناشی از سهامداری را اعمال کند، به یکی از چالش‌های مهم حقوقی تبدیل

می شود. از سوی دیگر، مسئله انتقال سهام بانام با اصول بنیادین حقوق مدنی نیز ارتباط پیدا می کند. اصل آزادی قراردادهای که در ماده ۱۰ قانون مدنی انعکاس یافته است، به اشخاص اجازه می دهد روابط حقوقی خود را بر اساس توافقات خصوصی تنظیم کنند. با این حال، این اصل مطلق نیست و در مواردی که قانونگذار به منظور حفظ نظم عمومی یا حمایت از حقوق اشخاص ثالث، تشریفات خاصی را مقرر کرده باشد، رعایت آن تشریفات ضروری است. بنابراین در حوزه انتقال سهام بانام، باید میان اعتبار قراردادی توافق طرفین و الزامات شکلی مقرر در حقوق شرکت ها نوعی تعادل برقرار شود. تحلیل این تعادل، مستلزم بررسی دقیق ماهیت حقوقی سهم، نقش دفتر ثبت سهام و آثار حقوقی ثبت یا عدم ثبت انتقال است. اهمیت این موضوع زمانی بیشتر آشکار می شود که به اختلافات عملی موجود در این زمینه توجه شود. بسیاری از دعاوی مطرح در مراجع قضایی مربوط به مواردی است که انتقال سهام از طریق قرارداد عادی انجام شده اما به دلایل مختلف در دفتر ثبت سهام شرکت منعکس نشده است. در چنین مواردی، خریدار ممکن است با مشکلاتی نظیر عدم شناسایی به عنوان سهامدار توسط شرکت، محرومیت از حقوق مالی و مدیریتی یا حتی مواجهه با معاملات معارض روبه رو شود. از سوی دیگر، شرکت نیز ممکن است در مواجهه با اسناد عادی انتقال سهم، با ابهام در تعیین مالک واقعی سهام مواجه گردد. این وضعیت نشان می دهد که تبیین دقیق جایگاه قراردادهای عادی در انتقال سهام بانام و تعیین شرایط تحقق مالکیت صحیح، از نظر نظری و عملی اهمیت قابل توجهی دارد. مقاله حاضر با رویکردی تحلیلی و با بهره گیری از مبانی حقوق مدنی و حقوق شرکت ها، به بررسی مسئله انتقال سهام بانام از طریق قراردادهای عادی می پردازد. هدف اصلی این پژوهش آن است که ضمن تبیین ماهیت حقوقی سهم و سازوکار قانونی انتقال آن، حدود اعتبار قراردادهای عادی و آثار آن در روابط میان طرفین، شرکت و اشخاص ثالث را روشن سازد. همچنین تلاش خواهد شد مراحل و شرایط لازم برای تحقق انتقال صحیح و ایجاد مالکیت معتبر سهام بانام تبیین گردد تا از بروز اختلافات و تعارضات حقوقی در این زمینه جلوگیری شود. بدین ترتیب، این پژوهش می کوشد با ارائه تحلیلی منسجم از مقررات قانونی،

دیدگاه‌های دکترین حقوقی و رویه عملی، چارچوبی روشن برای درک صحیح فرآیند انتقال سهام بانام و تضمین امنیت حقوقی در معاملات مربوط به آن فراهم آورد.

بخش اول: کلیات

انتقال سهام بانام در شرکت‌های سهامی یکی از مهم‌ترین سازوکارهای گردش مالکیت و جابه‌جایی سرمایه در ساختار شرکت‌های تجاری محسوب می‌شود. سهام به‌عنوان نماینده سهم‌الشرکه سهامداران در سرمایه شرکت، نه تنها بیانگر حقوق مالی آنان نظیر حق دریافت سود و سهم از دارایی شرکت است، بلکه حقوق غیرمالی مهمی همچون حق رأی و مشارکت در اداره شرکت را نیز در بر می‌گیرد. از این رو، نحوه انتقال و شناسایی مالک واقعی سهام از منظر حقوقی اهمیت بنیادین دارد. زیرا هرگونه ابهام در این حوزه می‌تواند به بروز اختلافات گسترده میان سهامداران، شرکت و اشخاص ثالث منجر شود و ثبات روابط تجاری را با چالش مواجه سازد. در نظام حقوقی ایران، قانونگذار در لایحه اصلاحی قانون تجارت برای انتقال سهام بانام قواعد خاصی مقرر کرده است. بر اساس ماده ۱۰۳ این قانون، انتقال سهام بانام باید در دفتر ثبت سهام شرکت به ثبت برسد و انتقال‌دهنده یا نماینده قانونی وی نیز باید آن را امضا کند. به موجب این حکم قانونی، شرکت و اشخاص ثالث اصولاً کسی را که نام او در دفتر ثبت سهام درج شده است، به‌عنوان مالک رسمی سهم می‌شناسند. هدف از پیش‌بینی چنین تشریفات، ایجاد شفافیت در ساختار مالکیت شرکت، جلوگیری از بروز معاملات معارض و حفظ نظم در روابط داخلی شرکت است. با این حال، در عمل مشاهده می‌شود که در بسیاری از شرکت‌های سهامی، به‌ویژه شرکت‌های سهامی خاص و شرکت‌های غیرپذیرفته‌شده در بورس، نقل و انتقال سهام غالباً از طریق قراردادهای عادی و خارج از تشریفات رسمی مقرر در قانون انجام می‌شود. گسترش این رویه عملی، پرسش‌های حقوقی مهمی را در خصوص اعتبار و آثار قراردادهای عادی انتقال سهام بانام مطرح می‌سازد. مهم‌ترین مسئله آن است که آیا قرارداد عادی انتقال سهام بانام به‌تنهایی موجب انتقال مالکیت می‌شود یا صرفاً تعهدی برای انتقال ایجاد می‌کند که تحقق کامل آن منوط به ثبت در دفتر سهام است. به بیان دیگر، باید

روشن شود که نقش ثبت انتقال در دفتر سهام، ماهیتی تأسیسی دارد یا صرفاً جنبه اعلامی و اثباتی دارد. تعیین پاسخ این پرسش از آن جهت اهمیت دارد که در صورت بروز اختلاف، مبنای تشخیص مالک واقعی سهم و حدود حقوق و تعهدات طرفین قرارداد را مشخص می کند. علاوه بر این، مسئله مهم دیگر، تعیین آثار قرارداد عادی انتقال سهام در برابر شرکت و اشخاص ثالث است. در فرضی که انتقال سهام صرفاً در قالب قرارداد عادی میان فروشنده و خریدار منعقد شده ولی در دفتر سهام ثبت نشده است، این پرسش مطرح می شود که آیا شرکت ملزم به شناسایی خریدار به عنوان سهامدار است یا همچنان فروشنده را مالک قانونی سهم تلقی می کند. همچنین باید بررسی شود که چنین قراردادی تا چه حد می تواند در برابر اشخاص ثالث مانند طلبکاران فروشنده یا خریداران بعدی سهم قابل استناد باشد. در بسیاری از موارد، عدم ثبت انتقال در دفتر سهام موجب بروز تعارض میان مالکیت قراردادی و مالکیت ثبتی می شود و تشخیص شخصی که از نظر حقوقی مالک معتبر سهم محسوب می شود، با دشواری های جدی مواجه می گردد. تعارض میان اصل آزادی قراردادهای در حقوق مدنی و قواعد آمره حاکم بر حقوق شرکت ها نیز از دیگر ابعاد مهم این مسئله است. مطابق ماده ۱۰ قانون مدنی، قراردادهای خصوصی تا جایی که مخالف صریح قانون نباشند نافذ هستند. بر این اساس، می توان استدلال کرد که قرارداد عادی انتقال سهام میان طرفین معتبر است و آثار حقوقی خاص خود را دارد. در مقابل، برخی دیدگاه ها با تأکید بر ماهیت خاص سهم و ضرورت حفظ نظم در ساختار شرکت، معتقدند که تشریفات ثبت انتقال در دفتر سهام جزء ارکان اساسی تحقق انتقال محسوب می شود و بدون آن انتقال مالکیت به طور کامل محقق نمی شود. این تعارض نظری سبب شده است که در رویه قضایی و دکترین حقوقی نیز برداشت های متفاوتی درباره ماهیت و آثار قراردادهای عادی انتقال سهام شکل گیرد. ابهام در تعیین وضعیت حقوقی این قراردادهای در عمل نیز پیامدهای قابل توجهی به همراه دارد. در مواردی مشاهده می شود که فروشنده پس از انعقاد قرارداد عادی، از همکاری برای ثبت انتقال در دفتر سهام خودداری می کند یا سهم مورد معامله را به شخص دیگری منتقل می نماید. در موارد دیگر، شرکت از ثبت انتقال امتناع می کند یا خریدار را به عنوان سهامدار در مجامع

عمومی به رسمیت نمی‌شناسد. همچنین ممکن است طلبکاران فروشنده پیش از ثبت انتقال، سهم را توقیف کنند و این امر اختلافات پیچیده‌ای در خصوص مالکیت واقعی سهم ایجاد کند. تمامی این وضعیت‌ها نشان‌دهنده خلأ تحلیلی و تفسیری در خصوص جایگاه حقوقی قراردادهای عادی انتقال سهام بانام در نظام حقوقی ایران است. مسئله اصلی پژوهش حاضر بررسی ماهیت و آثار حقوقی انتقال سهام بانام از طریق قراردادهای عادی و تبیین نقش ثبت انتقال در دفتر سهام در تحقق یا اثبات مالکیت است. این پژوهش می‌کوشد با تحلیل مقررات قانونی، دیدگاه‌های دکترین حقوقی و رویه قضایی، حدود اعتبار قراردادهای عادی در انتقال سهام بانام را مشخص کرده و نسبت میان مالکیت قراردادی و مالکیت ثبتی را تبیین کند. روشن شدن این مسئله می‌تواند به کاهش اختلافات حقوقی، افزایش شفافیت در معاملات سهام و تقویت امنیت حقوقی در روابط تجاری کمک کند.

بند اول: نگاهی به مرور ادبیات و پیشینه پژوهش

موضوع انتقال سهام بانام و آثار حقوقی قراردادهای عادی در این زمینه، از جمله مباحثی است که در ادبیات حقوق شرکت‌ها مورد توجه نویسندگان و پژوهشگران حقوق تجارت قرار گرفته است. با این حال، بررسی آثار علمی موجود نشان می‌دهد که هرچند به جنبه‌های مختلف انتقال سهام اشاره شده، اما مسئله اعتبار و آثار قراردادهای عادی انتقال سهام بانام در نسبت با الزامات شکلی مقرر در قانون تجارت همچنان با ابهام‌ها و دیدگاه‌های متفاوتی مواجه است. از این رو، مرور دیدگاه‌های دکترین حقوقی می‌تواند چارچوب نظری مناسبی برای تحلیل این مسئله فراهم آورد. برخی از حقوقدانان معتقدند که مقررره مربوط به ثبت انتقال در دفتر سهام، با هدف حفظ نظم و شفافیت در ساختار مالکیت شرکت‌ها وضع شده و از این جهت دارای ماهیتی آمره است. تا زمانی که انتقال در دفتر سهام ثبت نشده باشد، شرکت مکلف به شناسایی خریدار به عنوان سهامدار نیست و تنها شخصی که نام او در دفتر ثبت سهام درج شده است، از نظر حقوقی صاحب حقوق ناشی از سهم محسوب می‌شود. این تحلیل عمدتاً بر ضرورت حفظ ثبات روابط شرکتی و جلوگیری از بروز اختلافات ناشی از معاملات

معارض تأکید دارد. برخی دیگر از نویسندگان با تکیه بر اصول عمومی حقوق مدنی، به ویژه اصل حاکمیت اراده و ماده ۱۰ قانون مدنی، بر این باورند که قرارداد عادی انتقال سهام میان طرفین از اعتبار حقوقی برخوردار است و می تواند موجب انتقال مالکیت در روابط میان انتقال دهنده و انتقال گیرنده شود. بر اساس این دیدگاه، ثبت انتقال در دفتر سهام بیش از آنکه شرط تحقق مالکیت باشد، وسیله ای برای اعلام و اثبات مالکیت در برابر شرکت و اشخاص ثالث به شمار می رود. در نتیجه، قرارداد عادی هرچند ممکن است در برابر شرکت یا اشخاص ثالث با محدودیت هایی مواجه باشد، اما در روابط بین طرفین قرارداد آثار کامل حقوقی خود را دارد و می تواند مبنای طرح دعوی الزام به ثبت انتقال قرار گیرد. برخی پژوهشگران نیز کوشیده اند با اتخاذ رویکردی میانه، میان اثر قرارداد در روابط داخلی طرفین و اثر آن در برابر شرکت و اشخاص ثالث تفکیک قائل شوند. مطابق این تحلیل، قرارداد عادی انتقال سهام از حیث ایجاد تعهد میان طرفین معتبر است و فروشنده را ملزم می کند که تشریفات ثبت انتقال را انجام دهد. در سطح مطالعات تطبیقی نیز بررسی نظام های حقوقی دیگر نشان می دهد که بسیاری از کشورها برای انتقال سهام بانام، سازوکارهای ثبتی و شکلی خاصی پیش بینی کرده اند. با این حال، در بسیاری از این نظام ها نیز میان اثر قراردادی انتقال در روابط طرفین و اثر آن در برابر شرکت یا اشخاص ثالث تفکیک قائل شده اند. این رویکرد تطبیقی نشان می دهد که مسئله تعارض میان آزادی قراردادی و الزامات شکلی در انتقال سهام، محدود به حقوق ایران نیست و در سایر نظام های حقوقی نیز مورد بحث قرار گرفته است. در ادبیات حقوقی ایران هنوز پژوهشی جامع که به صورت متمرکز به بررسی ماهیت قراردادهای عادی انتقال سهام بانام، حدود اعتبار آن ها و آثارشان در برابر شرکت و اشخاص ثالث بپردازد، به طور کامل شکل نگرفته است. به ویژه تحلیل هم زمان مقررات قانونی، دیدگاه های دکترین و رویه قضایی در این زمینه کمتر مورد توجه قرار گرفته است. از این رو، انجام پژوهشی که با رویکردی تحلیلی و نظام مند به تبیین جایگاه قراردادهای عادی در انتقال سهام بانام بپردازد، می تواند خلأ موجود در ادبیات حقوقی را تا حدی برطرف کرده و چارچوبی روشن تر برای تفسیر و اجرای مقررات مربوط به انتقال سهام ارائه دهد.

۱. پژوهش‌های داخلی

۱-۱. مطالعات مربوط به ماهیت سهم و تشریفات انتقال آن

در آثار داخلی، بخش عمده ادبیات به تحلیل ماهیت حقوقی سهم، جایگاه آن در شرکت سهامی و تشریفات قانونی انتقال اختصاص یافته است. بسیاری از حقوقدانان، سهم را مالی سازمان یافته و دارای ماهیت خاص دانسته‌اند و بر لزوم رعایت قواعد آمره قانونی برای انتقال آن تأکید کرده‌اند. در این مطالعات، دفتر ثبت سهم به عنوان ابزار اصلی شناسایی سهامداران و تضمین شفافیت مالکیت شناخته شده است. با این حال، بیشتر این پژوهش‌ها به بررسی نظری ماهیت تشریفات انتقال پرداخته و کمتر به آثار تعارض قراردادهای عادی و ثبت قانونی پرداخته‌اند.

۱-۲. پژوهش‌های مرتبط با قراردادهای عادی و اثر آن‌ها

ادبیات حقوقی ایران درباره نقش و اعتبار قراردادهای عادی، عمدتاً بر مبنای ماده ۱۰ قانون مدنی و اصل آزادی قراردادی شکل گرفته است. بیشتر نویسندگان بر اعتبار قراردادهای خصوصی میان طرفین تأکید کرده‌اند، حتی اگر این قراردادها در برابر اشخاص ثالث یا نهادهای عمومی فاقد اثر باشند. این تحلیل در زمینه اموال منقول و غیرمنقول به تفصیل بررسی شده، اما درباره سهم بانام به دلیل ماهیت خاص آن، پژوهش‌های اندکی صورت گرفته است.

۱-۳. مطالعات ناظر بر دعاوی سهم و رویه قضایی

در برخی تحقیقات، به بررسی دعاوی مالی و حقوقی مرتبط با سهم بانام پرداخته شده و رویه قضایی موجود درباره ثبت انتقال و آثار آن تحلیل شده است. این مطالعات نشان می‌دهد که دادگاه‌ها همواره دیدگاه یکسانی درباره اثر قراردادهای عادی نداشته و در برخی موارد مالکیت قراردادی را معتبر دانسته و در موارد دیگر ثبت در دفتر سهم را شرط اثرگذاری

دانسته اند. اما این مطالعات عمدتاً جنبه توصیفی داشته و کمتر از چارچوب تحلیلی - تئوریک منسجم برخوردارند.

۲. پژوهش های خارجی

۲-۱. تحلیل تطبیقی انتقال سهام در نظام های حقوقی

در نظام های رومی - ژرمنی، انتقال سهام غالباً تشریفاتی تلقی می شود و ثبت انتقال در دفاتر شرکت شرط تحقق اثر عینی است. این رویکرد به ویژه در حقوق فرانسه، آلمان و سوئیس مشاهده می شود. پژوهش های خارجی نشان می دهد که هدف اصلی از این تشریفات، حفظ شفافیت و جلوگیری از تعارضات مالکیت است. در نظام های کامن لا، مانند انگلستان و آمریکا، نیز ثبت انتقال سهم در دفاتر شرکت شرط لازم برای شناسایی مالکیت در برابر شرکت و اشخاص ثالث است. قرارداد خصوصی، تنها تعهد به انتقال ایجاد می کند و مالکیت واقعی تنها با ثبت تحقق می یابد. این دیدگاه، مبنای نظری مهمی برای تحلیل حقوق ایران فراهم می آورد.

۲-۲. مباحث مرتبط با مالکیت قراردادی و مالکیت ثبتی

در ادبیات خارجی، تمایز میان انتقال قراردادی و انتقال ثبتی سهم به تفصیل مورد بحث قرار گرفته است. بر اساس این نظریه، قرارداد خصوصی میان فروشنده و خریدار صرفاً رابطه تعهدی ایجاد می کند و انتقال عینی سهم نیازمند تشریفات اداری و ثبتی است. این رویکرد در بسیاری از نظام های حقوقی تثبیت شده و امنیت معاملاتی و ثبات شرکت ها را افزایش می دهد.

۳. تحلیل شکاف ها و خلأ های پژوهشی

مرور ادبیات نشان می دهد که اگرچه مباحث قابل توجهی درباره ماهیت سهم، نقش دفتر ثبت سهام و اعتبار قراردادهای عادی وجود دارد، اما هنوز خلأ های مهمی باقی مانده است: نبود پژوهش جامع درباره نسبت میان قرارداد عادی و انتقال ثبتی سهم؛ بیشتر مطالعات تنها یکی از این دو جنبه را بررسی کرده اند و ارتباط میان آن ها تحلیل نشده است. فقدان چارچوب نظری

منسجم برای تعیین ماهیت انتقال سهام بانام: تعارض میان اصل آزادی قراردادی و قواعد آمره شرکت‌ها کمتر به صورت نظام‌مند تحلیل شده است. کمبود تحقیقات کاربردی مبتنی بر رویه قضایی: رویه قضایی در این زمینه بسیار پراکنده و با برداشت‌های متفاوت بوده، اما پژوهش منسجمی که این رویه‌ها را جمع‌بندی و تحلیل کند، وجود ندارد.

بند دوم: شناسایی روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر با هدف تبیین ماهیت، حدود اعتبار و آثار حقوقی انتقال سهام بانام از طریق قراردادهای عادی، نیازمند اتخاذ رویکردی چندبعدی و ترکیبی است. زیرا موضوع در مرز میان حقوق مدنی، حقوق تجارت، نظریه عمومی قراردادها و قواعد شکلی حاکم بر اداره شرکت‌ها قرار دارد. از این رو، روش‌شناسی پژوهش به گونه‌ای طراحی شده است که بتواند ابعاد نظری، تحلیلی، تفسیری و عملی مسئله را به شکل جامع پوشش دهد. نخستین روش مورد استفاده، روش تحلیلی - توصیفی است. در این مرحله، مقررات مرتبط با انتقال سهام بانام در لایحه اصلاحی قانون تجارت، قانون مدنی و سایر قوانین مرتبط گردآوری و به صورت منسجم تبیین می‌شود. پژوهش از روش تحلیل مفهومی و تفسیری بهره می‌گیرد. در این مرحله، مفاهیم بنیادینی همچون ماهیت انتقال سهم، رضایی یا تشریفاتی بودن انتقال، ماهیت دفتر ثبت سهام، اثر حقوقی قرارداد عادی، حدود اعتبار تعهد فروشنده و جایگاه نظم عمومی شرکتی مورد تبیین و تحلیل قرار می‌گیرد. این تحلیل‌ها مبتنی بر اصول حقوق مدنی، قواعد حقوق شرکت‌ها و مبانی نظری حقوق تجارت است. سومین بخش روش‌شناسی پژوهش، تحلیل استدلالی - انتقادی است. در این مرحله، نظریات دکترین حقوقی شامل دیدگاه‌های حقوقدانان برجسته در حوزه حقوق مدنی و تجارت گردآوری و با یکدیگر مقایسه می‌شود. هدف این بخش، بررسی قوت و ضعف هر یک از دیدگاه‌ها و نقد علمی آن‌ها بر مبنای اصول حقوقی، منطق قانونگذاری و نیازهای عملی روابط تجاری است. چهارمین ابزار روش‌شناسی در این پژوهش، تحلیل تطبیقی محدود است. هرچند موضوع پژوهش ناظر بر حقوق ایران است، بررسی مختصر نظام‌های حقوقی کشورهای دیگر، به ویژه کشورهایی که مقررات مشابهی درباره سهام

بانام دارند، می تواند به روشن شدن جایگاه دفتر ثبت سهام و ماهیت انتقال سهم کمک کند. از این رو، در بخش هایی از پژوهش، برخی از قواعد عمومی انتقال سهام در نظام های رومی - ژرمنی و کامن لا مورد مطالعه تطبیقی اجمالی قرار می گیرد تا نقاط اشتراک و افتراق آن ها با حقوق ایران مشخص شود. بهره گیری از رویه قضایی و آرای هیئت های داوری و مراجع اداری است. از آنجا که بخش عمده اختلافات مربوط به انتقال سهام بانام ناشی از تعارض میان قراردادهای عادی و ثبت قانونی است، آرای قضایی می تواند تصویری عملی از نحوه تلقی دادگاه ها نسبت به مالکیت قراردادی و مالکیت ثبتی ارائه دهد. در این مرحله، آراء منتشر شده محاکم و نظریات اداره حقوقی قوه قضاییه مورد تحلیل قرار می گیرد تا برداشت عملی از مقررات قانونی روشن شود. این بخش کمک می کند تا پژوهش علاوه بر بعد نظری، مستند به تجربه قضایی و رویه عملی نیز باشد.

بخش دوم: چارچوب حقوقی و قانونی انتقال سهام بانام در حقوق ایران

پس از تبیین مبانی نظری و بررسی پیشینه پژوهش، گام بعدی در تحلیل علمی موضوع، بررسی چارچوب حقوقی و قانونی حاکم بر انتقال سهام بانام در نظام حقوقی ایران است. این چارچوب از مجموعه ای از مقررات حقوق مدنی، قانون تجارت و قواعد خاص حاکم بر شرکت های سهامی تشکیل می شود که نحوه انتقال سهام، آثار آن و حدود اعتبار تشریفات قانونی را مشخص می کنند. تحلیل این مقررات برای درک جایگاه قراردادهای عادی در انتقال سهام ضروری است.

۱. جایگاه سهم در نظام حقوقی ایران

در حقوق ایران، سهم به عنوان واحد مالکیت در شرکت سهامی شناخته می شود و بیانگر مجموعه ای از حقوق مالی و غیرمالی سهامدار در شرکت است. بر اساس مقررات لایحه اصلاحی قانون تجارت، سهم نماینده مشارکت صاحب آن در سرمایه شرکت بوده و دارنده آن از حقوقی نظیر حق رأی در مجامع عمومی، حق دریافت سود و حق مشارکت در دارایی

شرکت بهره‌مند می‌شود. از نظر ماهیت حقوقی، سهم در زمره اموال منقول قرار می‌گیرد، اما به دلیل ارتباط مستقیم با ساختار سازمانی شرکت، تابع قواعد خاصی است که آن را از سایر اموال منقول متمایز می‌سازد. این ویژگی سبب می‌شود انتقال سهم علاوه بر آثار مالی، آثار سازمانی نیز داشته باشد. زیرا با انتقال سهم، جایگاه حقوقی دارنده آن در ساختار شرکت تغییر می‌کند. به همین دلیل، قانونگذار برای انتقال سهام بانام تشریفات خاصی پیش‌بینی کرده است.

۲. انواع سهام و تمایز سهام بانام و بی‌نام

در لایحه اصلاحی قانون تجارت، سهام شرکت‌های سهامی به دو نوع اصلی تقسیم می‌شود: سهام بانام و سهام بی‌نام. تمایز میان این دو نوع سهم در نحوه انتقال و شیوه شناسایی مالک آن‌هاست. در سهام بی‌نام، مالکیت سهم با در اختیار داشتن ورقه سهم احراز می‌شود و انتقال آن با قبض و اقباض صورت می‌گیرد. در نتیجه، تشریفات خاصی برای انتقال آن پیش‌بینی نشده و انتقال آن مشابه انتقال اسناد در وجه حامل است. در مقابل، سهام بانام به نام شخص معینی صادر می‌شود و مالک آن در دفتر ثبت سهام شرکت مشخص می‌گردد. انتقال این نوع سهم مستلزم رعایت تشریفات خاصی است که مهم‌ترین آن ثبت انتقال در دفتر ثبت سهام شرکت است. همین ویژگی باعث می‌شود بحث اعتبار قراردادهای عادی در انتقال سهام بانام اهمیت ویژه‌ای پیدا کند.

۳. مقررات قانونی انتقال سهام بانام

مهم‌ترین مقرره قانونی در این زمینه، ماده ۴۰ لایحه اصلاحی قانون تجارت است. بر اساس این ماده، انتقال سهام بانام باید در دفتر ثبت سهام شرکت به ثبت برسد و انتقال‌دهنده یا وکیل قانونی او باید انتقال را در این دفتر امضا کند. همچنین نام و نشانی کامل انتقال‌گیرنده باید در دفتر ثبت سهام درج شود. هدف قانونگذار از این مقرره، ایجاد شفافیت در مالکیت سهام و جلوگیری از بروز اختلاف در شناسایی سهامداران است. شرکت تنها شخصی را سهامدار

می شناسد که نام او در دفتر ثبت سهام درج شده باشد. بنابراین ثبت انتقال در این دفتر، شرط اساسی برای شناسایی مالکیت سهم در روابط با شرکت محسوب می شود.

۴. نقش دفتر ثبت سهام در شناسایی مالکیت

دفتر ثبت سهام یکی از مهم ترین اسناد داخلی شرکت های سهامی است که در آن مشخصات سهامداران، تعداد سهام و تغییرات مربوط به انتقال سهام ثبت می شود. این دفتر در واقع مبنای شناسایی رسمی سهامداران توسط شرکت است. اهمیت این دفتر از آن جهت است که شرکت در برگزاری مجامع عمومی، پرداخت سود سهام و اعمال سایر حقوق سهامداری، تنها به اطلاعات مندرج در آن استناد می کند. بنابراین شخصی که نام او در دفتر ثبت سهام درج نشده باشد، در روابط با شرکت نمی تواند از حقوق سهامداری بهره مند شود. این ویژگی باعث می شود میان مالکیت قراردادی ناشی از توافق خصوصی و مالکیت ثبتی ناشی از ثبت در دفتر سهام تمایز ایجاد شود.

۵. جایگاه قراردادهای عادی در انتقال سهام بانام

با وجود آنکه قانون تجارت ثبت انتقال در دفتر سهام را برای شناسایی مالکیت در برابر شرکت ضروری دانسته است، در عمل بسیاری از انتقالات سهام از طریق قراردادهای عادی میان فروشنده و خریدار انجام می شود. این قراردادها غالباً به صورت مبایعه نامه یا توافق نامه خصوصی تنظیم می شوند و طرفین در آن شرایط انتقال، مبلغ معامله و تعهدات خود را مشخص می کنند. تحلیل حقوقی این قراردادها مستلزم تفکیک میان آثار آن ها در روابط داخلی طرفین و آثار آن ها در برابر شرکت و اشخاص ثالث است. از منظر حقوق مدنی، قرارداد عادی انتقال سهام بانام بر اساس اصل آزادی قراردادهای ماده ۱۰ قانون مدنی معتبر تلقی می شود. به موجب این اصل، اشخاص می توانند در حدود قانون هر گونه قراردادی منعقد کنند و توافقات آن ها برای طرفین لازم الاجرا خواهد بود. بنابراین انعقاد قرارداد عادی برای انتقال سهام، فی نفسه از نظر حقوقی معتبر است و تعهداتی برای طرفین ایجاد می کند. اعتبار این قراردادها به تنهایی برای

تحقق انتقال کامل مالکیت سهم کافی نیست. زیرا قانون تجارت برای انتقال سهام بانام تشریفات خاصی مقرر کرده است. در نتیجه، قرارداد عادی بیشتر جنبه تعهدی دارد و مبنایی برای الزام فروشنده به انجام تشریفات قانونی انتقال محسوب می‌شود.

۶. آثار حقوقی قرارداد عادی در روابط میان طرفین

در روابط میان فروشنده و خریدار، قرارداد عادی انتقال سهام بانام یک تعهد الزام‌آور ایجاد می‌کند. فروشنده به موجب قرارداد متعهد می‌شود اقدامات لازم برای انتقال رسمی سهم را انجام دهد و خریدار نیز متعهد به پرداخت ثمن معامله است. در صورتی که هر یک از طرفین از انجام تعهدات خود امتناع کند، طرف مقابل می‌تواند با مراجعه به مراجع قضایی، الزام وی به انجام تعهد یا جبران خسارت را مطالبه نماید. در این حالت، دادگاه می‌تواند فروشنده را ملزم کند که تشریفات قانونی انتقال سهم را انجام دهد و همکاری لازم برای ثبت انتقال در دفتر سهام شرکت را به عمل آورد. در نتیجه، قرارداد عادی در روابط بین طرفین دارای اثر حقوقی کامل بوده و مبنای طرح دعوا در مراجع قضایی محسوب می‌شود.

۷. آثار قرارداد عادی در برابر شرکت

در مقابل، اعتبار قرارداد عادی در برابر شرکت محدود است. شرکت سهامی بر اساس اطلاعات ثبت شده در دفتر ثبت سهام عمل می‌کند و تنها شخصی را سهامدار می‌شناسد که نام او در این دفتر درج شده باشد. بنابراین تا زمانی که انتقال سهم در دفتر ثبت سهام ثبت نشده باشد، خریدار نمی‌تواند حقوق سهامداری خود را در برابر شرکت اعمال کند. به عبارت دیگر، شرکت مکلف نیست به قرارداد عادی میان فروشنده و خریدار توجه کند و می‌تواند همچنان فروشنده را به عنوان سهامدار رسمی خود تلقی نماید. این وضعیت ممکن است در مواردی موجب بروز اختلاف میان طرفین شود، به ویژه زمانی که فروشنده پس از انعقاد قرارداد از انجام تشریفات ثبت انتقال خودداری کند.

۸. آثار قرارداد عادی در برابر اشخاص ثالث

اعتبار قرارداد عادی انتقال سهام بانام در برابر اشخاص ثالث نیز با محدودیت مواجه است. در حقوق ایران، اسناد عادی اصولاً نسبت به اشخاص ثالث قابلیت استناد محدودی دارند و در بسیاری از موارد برای اثبات حقوق در برابر ثالث کافی نیستند. در مورد سهام بانام نیز تا زمانی که انتقال در دفتر ثبت سهام شرکت ثبت نشده باشد، اشخاص ثالث می توانند مالک ثبتی سهم را همان شخصی بدانند که نام او در دفتر سهام درج شده است. به همین دلیل ممکن است طلبکاران فروشنده سهام را به نام او توقیف کنند، حتی اگر وی قبلاً سهم را به موجب قرارداد عادی به شخص دیگری فروخته باشد. همچنین امکان وقوع معاملات معارض نیز وجود دارد. به این معنا که فروشنده ممکن است همان سهم را به شخص دیگری منتقل کند و در صورتی که انتقال دوم در دفتر ثبت سهام ثبت شود، خریدار دوم در برابر شرکت و اشخاص ثالث در موقعیت قوی تری قرار خواهد گرفت.

۹. محدودیت های اساسنامه در انتقال سهام

علاوه بر مقررات قانونی، اساسنامه شرکت نیز ممکن است محدودیت هایی برای انتقال سهام بانام پیش بینی کند. در بسیاری از شرکت های سهامی خاص، انتقال سهام منوط به موافقت هیئت مدیره یا سایر سهامداران می شود. هدف از این محدودیت ها حفظ ترکیب سهامداری شرکت و جلوگیری از ورود اشخاص نامطلوب به ساختار شرکت است. در چنین شرایطی، حتی اگر قرارداد عادی میان فروشنده و خریدار منعقد شده باشد، ثبت انتقال در دفتر سهام منوط به رعایت مقررات اساسنامه خواهد بود. در صورت عدم رعایت این مقررات، شرکت می تواند از ثبت انتقال خودداری کند.

۱۰. اهمیت رعایت تشریفات قانونی انتقال

مجموع مقررات یادشده نشان می‌دهد که انتقال سهام بانام در حقوق ایران فرآیندی صرفاً قراردادی نیست، بلکه مستلزم رعایت تشریفات قانونی و سازمانی است. ثبت انتقال در دفتر سهام نه تنها برای شناسایی مالکیت در برابر شرکت ضروری است، بلکه نقش مهمی در تأمین امنیت معاملات و جلوگیری از بروز اختلافات حقوقی دارد. از این رو، هرچند قراردادهای عادی در عمل نقش مهمی در معاملات سهام ایفا می‌کنند، اما برای تحقق کامل انتقال مالکیت و ایجاد قابلیت استناد در برابر شرکت و اشخاص ثالث، ثبت رسمی انتقال در دفتر ثبت سهام امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر محسوب می‌شود.

بخش سوم: تحلیل ماهوی انتقال سهام بانام و جایگاه قرارداد عادی

تحلیل ماهوی انتقال سهام بانام، مستلزم بررسی دقیق رابطه میان انتقال قراردادی (تعهدی) و انتقال ثبتی (عینی) است. این تحلیل بنیان اصلی تعیین حدود اثر قرارداد عادی و تشریفات قانونی را تشکیل می‌دهد و به روشن شدن این پرسش کمک می‌کند که آیا انتقال سهام بانام با قرارداد خصوصی محقق می‌شود یا آنکه نیازمند تحقق مرحله‌ای دیگر است. در ادامه، این تحلیل در چند محور ارائه می‌شود.

۱. ماهیت حقوقی انتقال سهام بانام: تعهدی یا عینی؟

۱.۱. دیدگاه اول: انتقال سهام بانام ماهیتاً عینی است: بر اساس این دیدگاه، انتقال مالکیت سهام بانام تنها زمانی محقق می‌شود که تشریفات قانونی پیش‌بینی شده (ثبت در دفتر سهام) انجام گیرد. به بیان دیگر قرارداد خصوصی فقط تعهد به انتقال ایجاد می‌کند. مالکیت فقط پس از ثبت تحقق می‌یابد. استدلال‌های این دیدگاه: ماده ۴۰ لایحه اصلاحی قانون تجارت، ثبت انتقال را ملاک شناسایی مالک قرار داده است. حقوق سهامداری ذاتاً سازمانی است و باید برای جلوگیری از معاملات معارض شفاف باشد. شرکت نمی‌تواند به قراردادهای خصوصی میان

اشخاص استناد کند. پس انتقال تا پیش از ثبت ناقص است. بنابراین، این تحلیل میان «مالکیت قراردادی» و «مالکیت شرکتی» تفکیک قائل شده و دومی را تنها با ثبت محقق می داند.

۱.۲. دیدگاه دوم: انتقال سهام بانام ماهیتاً تعهدی – عینی است

این دیدگاه انتقال سهم را با انعقاد قرارداد خصوصی تحقق یافته می داند. ولی ثبت را شرط قابلیت استناد در برابر شرکت معرفی می کند. بر اساس این تحلیل: با قرارداد عادی، مالکیت میان طرفین منتقل می شود. اما تا زمان ثبت، مالکیت در برابر شرکت و ثالث معتبر نیست. این نظریه تلاش می کند میان قواعد مدنی (اصل تراضی) و مقررات تجاری (لزوم ثبت) سازگاری ایجاد کند.

۱.۳. تحلیل ترجیحی

حقوق ایران در وضع کنونی با تفکیک میان اثر تعهدی (قراردادی) و اثر ثبتی تطابق بیشتری دارد. بدین ترتیب: قرارداد عادی، تعهد و حتی نوعی مالکیت ناقص (قابلیت استناد محدود) ایجاد می کند. اما انتقال کامل و شناسایی شده تنها با ثبت محقق می شود. این تفسیر با هدف قانونگذار در حفظ امنیت معاملات و جلوگیری از ابهام در مالکیت سهام هماهنگ است.

۲. نقش ثبت انتقال در تحقق مالکیت ثبت انتقال سهام در دفتر ثبت سهام نقش دوگانه و بنیادین دارد:

۲.۱. نقش اثباتی

ثبت در دفتر سهام سند رسمی شناسایی سهامدار نزد شرکت است. بدون ثبت، شرکت موظف نیست خریدار را به عنوان سهامدار بشناسد.

۲.۲. نقش تملیکی

ثبت نه تنها جنبه اثباتی دارد، بلکه شرط تحقق «اثر عینی» انتقال نیز هست. این امر شبیه انتقال اموالی است که طبق قانون نیازمند تشریفات خاص هستند (مانند اموال غیر منقول و برخی اموال منقول خاص). بنابراین، می توان گفت ثبت، نقش «تشریفات تملیکی» دارد.

۳. تعارض میان اصل آزادی قراردادی و قواعد آمره شرکت ها

در انتقال سهام بانام دو نظام حقوقی به ظاهر متعارض نقش آفرینی می کنند: حقوق مدنی: اصل ترازی، قرارداد را نافذ و مؤثر می داند. حقوق تجارت: شفافیت مالکیت و نظم سازمانی شرکت را مقدم می شمارد.

تحلیل تعارض: حقوق تجارت در این زمینه «قواعد آمره» دارد و قواعد آمره بر آزادی قراردادی مقدم اند. بنابراین حتی اگر قرارداد صحیح باشد، اثر گذاری آن تابع شرایط قانونی شرکت است. این تحلیل توجیه کننده محدودیت های قرارداد عادی است.

۴. حدود اثر گذاری قرارداد عادی

۴.۱. در روابط میان طرفین

قرارداد عادی: صحیح است. الزام آور است. قابلیت اجرای قضایی دارد. این قرارداد می تواند مبنای دعوای «الزام به ثبت انتقال» قرار گیرد.

۴.۲. در برابر شرکت

قرارداد عادی اثری ندارد مگر پس از ثبت. شرکت نه تنها خریدار را نمی شناسد، بلکه حتی حق دارد از ثبت انتقال بدون طی تشریفات اساسنامه ای امتناع کند.

۴.۳. در برابر اشخاص ثالث

قرارداد عادی: قابل استناد نیست. با توقیف سهام فروشنده بی اثر می شود. در رقابت با خریدار دوم (که انتقال را ثبت کند) بازنده است. بنابراین قرارداد عادی «مالکیت ناقص» و «تعهد مستقل» ایجاد می کند، نه مالکیت کامل.

۵. تحلیل جمع بندی ماهوی بر اساس مبانی حقوقی بررسی شده، می توان گفت:

انتقال سهام بانام فرآیندی دو مرحله ای است:

۱. مرحله تعهدی (انعقاد قرارداد عادی)

۲. مرحله تملیکی (ثبت انتقال در دفتر سهام) قرارداد عادی شرط لازم است،

اما شرط کافی نیست. مالکیت واقعی و قابل استناد تنها زمانی ایجاد می شود که انتقال ثبت شود. قانونگذار عمداً فرایند انتقال را تشریفاتی کرده تا امنیت معاملاتی شرکت ها حفظ شود.

بخش چهارم: پیامدها و ضمانت اجرای عدم ثبت انتقال سهام بانام

پس از روشن شدن جایگاه قرارداد عادی و نقش ثبت در تحقق مالکیت، لازم است به این پرسش پاسخ داده شود که اگر انتقال مطابق تشریفات قانونی ثبت نشود، چه وضعیت حقوقی برای طرفین، شرکت و اشخاص ثالث ایجاد می شود؟ این بخش به بررسی آثار مستقیم و غیرمستقیم عدم رعایت تشریفات می پردازد و ضمانت اجرای را که قانونگذار برای حفظ نظم و شفافیت مالکیت سهام پیش بینی کرده، تبیین می کند.

۱. بی اعتباری انتقال در برابر شرکت: مهم ترین اثر عدم ثبت انتقال، عدم شناسایی مالکیت خریدار از سوی شرکت است. مطابق مواد ۴۰ و ۱۰۳ لایحه اصلاحی قانون تجارت: تنها

شخصی سهامدار شرکت محسوب می‌شود که نام او در دفتر سهام ثبت شده باشد. شرکت مکلف نیست قرارداد خصوصی میان طرفین را بپذیرد.

۲. امکان توقیف و اجرای طلب علیه سهام: تا زمانی که انتقال در دفتر سهام ثبت نشده، سهم همچنان متعلق به مالک ثبتی است. در نتیجه طلبکاران فروشنده می‌توانند سهام را توقیف کنند. توقیف قانونی، قرارداد عادی را بی‌اثر می‌کند. خریدار برای رهایی سهم باید ابتدا فروشنده را ملزم به ثبت انتقال کند و سپس برای رفع توقیف اقدام نماید. این وضعیت نشان می‌دهد که قرارداد عادی در برابر ثالث هیچ‌گونه قابلیت استناد مستقل ندارد.

۳. خطر وقوع معاملات معارض: یکی از مهم‌ترین ریسک‌های معاملات سهام با قرارداد عادی، وقوع معامله دوم با شخص ثالث است. سناریوی رایج فروشنده سهام را با قرارداد عادی به خریدار اول می‌فروشد. سپس همان سهام را به خریدار دوم می‌فروشد. خریدار دوم انتقال را زودتر در دفتر سهام ثبت می‌کند. شرکت تنها خریدار دوم را مالک می‌شناسد.

۴. مسئولیت قراردادی فروشنده: فروشنده‌ای که تعهد به انتقال رسمی داده ولی از انجام آن امتناع می‌کند، مرتکب نقض تعهد شده است. خریدار می‌تواند الزام فروشنده به انجام تشریفات انتقال را از دادگاه بخواهد. مطالبه خسارت ناشی از تأخیر یا امتناع کند. در صورت کاهش ارزش سهام، جبران ضرر را مطالبه نماید. مسئولیت فروشنده در این موارد قراردادی و الزام‌آور است.

۵. مسئولیت احتمالی مدیران شرکت

در برخی شرایط، مدیران شرکت نیز ممکن است مسئولیت پیدا کنند. موارد مسئولیت امتناع غیرموجه یا مغرضانه از ثبت انتقال، ثبت نادرست یا مخالف اساسنامه. سوءاستفاده از موقعیت مدیریتی برای جلوگیری از ورود سهامدار جدید. این مسئولیت معمولاً مدنی یا انتظامی است و با هدف پیشگیری از سوءمدیریت در شرکت‌ها پیش‌بینی شده است.

بخش پنجم: نگاهی به فرایند صحیح و قانونی انتقال سهام بانام

انتقال صحیح سهام بانام باید مطابق تشریفات قانونی مقرر در لایحه اصلاحی قانون تجارت و اساسنامه شرکت انجام شود. این فرآیند با هدف تثبیت مالکیت، جلوگیری از معاملات معارض، ایجاد شفافیت و امکان اعمال حقوق سهامداری طراحی شده است. فرایند صحیح انتقال سهام را می توان در پنج مرحله اصلی بیان کرد:

۱. انعقاد قرارداد انتقال سهام (مرحله تعهدی)

هرچند ثبت انتقال شرط تملیک نهایی است، اما انعقاد قرارداد مکتوب میان فروشنده و خریدار، اولین گام انتقال است.

این قرارداد معمولاً باید شامل موارد زیر باشد: مشخصات کامل طرفین، تعداد و نوع و ارزش اسمی سهام، شرایط پرداخت ثمن، تعهد فروشنده به انجام تشریفات انتقال، تعهد خریدار به رعایت مقررات اساسنامه، تضمین ها و مسؤولیت ها، این قرارداد در حکم تعهد به انتقال است و اساس انتقال بعدی را تشکیل می دهد.

۲. ارائه قرارداد و مدارک به شرکت

در این مرحله، طرفین باید قرارداد انتقال، درخواست انتقال، مدارک شناسایی، هرگونه اسناد تکمیلی (مثل رضایت نامه یا وکالت نامه) را به شرکت تسلیم کنند. هدف از این مرحله احراز هویت طرفین، بررسی مجوزهای لازم طبق اساسنامه، بررسی وجود محدودیت های قانونی

۳. رعایت الزامات اساسنامه ای و تصمیم گیری شرکت بسیاری از شرکت ها در اساسنامه شرایطی را برای انتقال سهام بانام تعیین می کنند. مانند: لزوم تصویب انتقال توسط هیئت مدیره، رعایت حق تقدم خرید برای سهامداران موجود، منع انتقال بدون رضایت شرکت، محدودیت های موضوع فعالیت، هیئت مدیره باید انتقال را بررسی و در صورت احراز شرایط،

تصویب کند. در صورت امتناع غیرقانونی هیئت مدیره، خریدار می تواند الزام شرکت به ثبت انتقال را از دادگاه بخواهد.

۴. ثبت انتقال در دفتر ثبت سهام: این مرحله مرحله تملیک واقعی است و بدون آن انتقال کامل نمی شود. در این مرحله شرکت باید اطلاعات خریدار، مشخصات سهام انتقال یافته، تاریخ انتقال، امضای دارندگان مجاز و مهر شرکت را در دفتر سهام ثبت کند. ثبت باید سریع، دقیق و توسط مدیران امضادار انجام شود. این ثبت مبنای شناسایی قانونی خریدار به عنوان سهامدار است.

۵. صدور ورقه سهام جدید یا اصلاح ورقه موجود در پایان، شرکت باید ورقه سهام جدید به نام خریدار صادر کند، یا ورقه سهام قبلی را باطل و ورقه جدید صادر نماید. صدور ورقه سهام دارای اهمیت است زیرا: اسناد مالکیت سهام است. در دعاوی قضایی و بانکی لازم است و نشانه تکمیل ثبت و انتقال است.

• پیشنهادهای راهکارهای اصلاحی و اجرایی

الف) پیشنهادهای تقنینی (قانونگذاری)

۱. الزام قانونی به ثبت الکترونیکی دفتر سهام سامانه ای الکترونیکی مشابه سامانه ثبت اسناد، می تواند از معاملات معارض جلوگیری کند. زمان ثبت را کاهش دهد. امکان جعل را کاهش دهد. شفافیت مالکیت را افزایش دهد

۲. تعیین ضمانت اجرای صریح برای عدم ثبت قانون تجارت فعلی ضمانت اجرای مشخص برای امتناع مدیران از ثبت ارائه نکرده است. پیشنهاد: تعیین مسئولیت انتظامی و مدنی برای مدیران متخلف.

۳. هماهنگ سازی قانون تجارت با قوانین مالیاتی الزام به گزارش انتقال سهام و صدور گواهی مالیاتی باید با فرایندهای شرکت سازگار شود تا مانع تراشی اداری کاهش یابد.

ب) پیشنهادهای اجرایی (در سطح شرکت ها)

۱. ایجاد آیین نامه داخلی شفاف برای انتقال سهام شرکت باید روند انتقال سهام را دقیقاً در قالب بخشنامه داخلی تنظیم کند:

مراحل، مدارک مورد نیاز، زمان بندی، مسئولیت ها، هزینه ها این شفافیت موجب افزایش نظم و کاهش اختلاف می شود.

۲. آموزش مدیران و کارکنان شرکت بسیاری از تخلفات ناشی از ناآگاهی مدیران از تشریفات است. پیشنهاد: برگزاری کارگاه های آموزشی سالانه.

۳. ایجاد «دفتر سهام الکترونیکی داخلی» حتی در صورت نبود الزام قانونی، شرکت ها می توانند به صورت داخلی دفتر سهام دیجیتال ایجاد کنند تا سرعت، امنیت و دقت افزایش یابد.

ج) پیشنهادهای قراردادی (در سطح روابط شخصی)

۱. درج شرط الزام به ثبت در قرارداد در قرارداد عادی باید قید شود که فروشنده متعهد است در موعد مقرر تشریفات ثبت را انجام دهد. در صورت امتناع، وکالت بلاعزل یا ضمانت اجرا تعیین شود.

۲. پیش بینی خسارت تأخیر در ثبت ذکر خسارت قراردادی باعث کاهش انگیزه امتناع یا تأخیر فروشنده می شود.

۳. الزام به اخذ استعلام از شرکت پیش از خرید

نتیجه گیری

انتقال سهام بانام به عنوان یکی از مهم ترین سازوکارهای جابه جایی مالکیت در شرکت های تجاری، از دیرباز در حقوق تجارت ایران با نوعی دوگانگی میان قواعد عمومی قراردادهای و الزامات خاص حقوق شرکت ها مواجه بوده است. از یک سو، نظام حقوق مدنی بر اصل آزادی قراردادی و اعتبار تراضی میان طرفین استوار است و بر این اساس، قرارداد انتقال سهامدر قالب قرارداد عادی در صورت رعایت شرایط اساسی صحت معاملات، معتبر و الزام آور تلقی می شود. از سوی دیگر، حقوق شرکت ها به منظور تضمین شفافیت ساختار مالکیت، حمایت از نظم سازمانی شرکت و پیشگیری از بروز معاملات معارض، تشریفات خاصی را برای انتقال سهام بانام پیش بینی کرده است که مهم ترین آن ثبت انتقال در دفتر ثبت سهام شرکت است. همین تقابل ظاهری میان اصل تراضی و الزام به تشریفات، پرسش های مهمی را درباره ماهیت انتقال سهام، حدود اعتبار قراردادهای عادی و آثار عدم ثبت انتقال به وجود آورده است. تحلیل مبانی حقوقی و مقررات لایحه اصلاحی قانون تجارت نشان می دهد که انتقال سهام بانام در نظام حقوقی ایران ماهیتی دو مرحله ای دارد. در مرحله نخست، قرارداد میان انتقال دهنده و انتقال گیرنده منعقد می شود که از نظر حقوق مدنی تعهد به انتقال سهم را ایجاد می کند و روابط حقوقی میان طرفین را تنظیم می نماید. با این حال، تحقق کامل مالکیت و امکان اعمال حقوق سهامداری مستلزم تحقق مرحله دوم یعنی ثبت انتقال در دفتر سهام شرکت است. بدین ترتیب، قرارداد عادی به تنهایی موجب انتقال کامل و قابل استناد در برابر شرکت و اشخاص ثالث نمی شود، بلکه صرفاً مبنای تعهدی انتقال را فراهم می آورد. ثبت انتقال در دفتر سهام، در واقع حلقه تکمیلی فرآیند انتقال است که بدون آن، شناسایی مالک جدید از سوی شرکت امکان پذیر نخواهد بود. آثار عدم ثبت انتقال نیز نشان می دهد که خریدار سهام در صورت اکتفا به قرارداد عادی با محدودیت های جدی مواجه می شود. در چنین وضعیتی، شرکت همچنان فروشنده را به عنوان سهامدار رسمی می شناسد و حقوقی نظیر حضور در مجامع عمومی، حق رأی، دریافت سود و بهره مندی از سایر حقوق سهامداری را برای او

محفوظ می داند. افزون بر این، عدم ثبت انتقال می تواند زمینه ساز بروز مشکلات عملی متعددی از جمله توقیف سهام توسط طلبکاران فروشنده، وقوع معاملات معارض، و تضعیف موقعیت حقوقی خریدار در دعاوی مرتبط با شرکت شود. از این رو، هرچند قرارداد عادی از حیث ایجاد تعهد معتبر است، اما تا زمانی که انتقال در دفتر سهام ثبت نشود، مالکیت خریدار از منظر حقوق شرکت ها ناقص و غیر قابل استناد تلقی می گردد. مطالعه فرایند صحیح انتقال سهام نیز نشان می دهد که انتقال قانونی و معتبر مستلزم طی مجموعه ای از مراحل مشخص است که از انعقاد قرارداد انتقال آغاز شده و با ارائه مدارک به شرکت، رعایت الزامات اساسنامه ای، تصویب انتقال توسط مراجع ذی صلاح شرکت و در نهایت ثبت انتقال در دفتر سهام و صدور ورقه سهام جدید تکمیل می شود. رعایت دقیق این مراحل نه تنها موجب تثبیت مالکیت خریدار می شود، بلکه از بروز اختلافات حقوقی، معاملات معارض و مشکلات اجرایی نیز جلوگیری می کند. بررسی وضعیت عملی انتقال سهام در بسیاری از شرکت ها نشان می دهد که در عمل، بخش قابل توجهی از معاملات سهام در قالب قراردادهای عادی و بدون رعایت کامل تشریفات قانونی انجام می شود. این امر ناشی از عواملی مانند پیچیدگی های اداری، نبود سازوکارهای شفاف ثبت، فقدان سامانه های الکترونیکی ثبت مالکیت سهام و آگاهی محدود برخی فعالان اقتصادی از الزامات قانونی است. استمرار چنین وضعیتی می تواند امنیت حقوقی معاملات سهام را تضعیف کرده و زمینه بروز اختلافات گسترده در روابط میان سهامداران و شرکت ها را فراهم آورد. نهایتاً باید اذعان داشت اصلاح و تقویت نظام حقوقی و اجرایی انتقال سهام بانام ضروری به نظر می رسد. در سطح تقنینی، ایجاد سازوکارهای شفاف تر برای ثبت انتقال، پیش بینی ضمانت اجرای صریح در برابر امتناع غیرموجه مدیران از ثبت انتقال و حرکت به سوی ایجاد سامانه های الکترونیکی ثبت مالکیت سهام می تواند نقش مهمی در افزایش شفافیت و امنیت معاملات ایفا کند. در سطح اجرایی نیز شرکت ها می توانند با تدوین آیین نامه های داخلی روشن برای انتقال سهام، ایجاد نظام های ثبت الکترونیکی و آموزش مدیران و کارکنان، فرآیند انتقال را کارآمدتر و قابل اعتمادتر سازند. همچنین در سطح روابط قراردادی، تنظیم دقیق قراردادهای انتقال سهام، پیش بینی تعهدات روشن برای انجام تشریفات

ثبت و تعیین ضمانت‌اجراهای مناسب می‌تواند از بروز بسیاری از اختلافات احتمالی جلوگیری کند. قرارداد عادی انتقال سهام بانام هرچند از حیث ایجاد تعهد معتبر است، اما برای تحقق مالکیت کامل و قابل استناد کافی نیست. تحقق مالکیت واقعی مستلزم ثبت انتقال در دفتر سهام شرکت است و این ثبت، نقش تعیین‌کننده‌ای در تثبیت موقعیت حقوقی خریدار و تضمین شفافیت ساختار مالکیت شرکت دارد. از این رو، رعایت تشریفات قانونی انتقال نه صرفاً یک الزام شکلی، بلکه سازوکاری بنیادین برای حفظ نظم حقوقی شرکت‌ها و تأمین امنیت معاملات تجاری به شمار می‌آید.

منابع و مآخذ

الف) منابع فارسی

- امامی، حسن. (۱۳۹۰). حقوق مدنی، جلد سوم: معاملات و عقود. تهران: انتشارات اسلامیه.
- اسکینی، ربیعا. (۱۳۹۸). حقوق تجارت، جلد دوم: شرکت های تجاری. تهران: سمت.
- احمدی، علی اصغر. (۱۳۹۷). «ماهیت حقوقی انتقال سهام بانام و آثار عدم ثبت آن در دفتر سهام». فصلنامه حقوقی دادگستر.
- ایزدپناه، زهرا. (۱۳۹۹). «بررسی تعارض قراردادهای عادی انتقال سهام با الزامات قانون تجارت». پژوهشنامه حقوق تجارت.
- احمدوند، زهرا. (۱۴۰۳). تحلیل حقوقی عدم ثبت انتقال سهام و آثار آن در شرکت های سهامی خاص. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- بهرامی نژاد، سمیرا. (۱۴۰۰). بررسی فقهی و حقوقی نقل و انتقال سهام بانام. دانشگاه شهید بهشتی.
- پوراحمد، علی. (۱۳۹۸). نقش دفتر سهام در شناسایی سهامدار در حقوق ایران. دانشگاه علامه طباطبائی.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۹۷). دائرةالمعارف حقوق مدنی و تجارت. تهران: گنج دانش.
- حسینی، مهدی. (۱۴۰۲). «تحلیل حقوقی تأثیر دفتر ثبت سهام در تثبیت مالکیت سهامدار». پژوهشنامه حقوق خصوصی.
- رستمی، جواد. (۱۳۹۶). «اعتبار انتقال سهام با سند عادی در شرکت های سهامی خاص». مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی.

- رحیمی، عبدالحسین. (۱۴۰۰). حقوق تجارت (کلیات، شرکت‌ها، اسناد تجاری). تهران: میزان.
- ستوده تهرانی، حسن. (۱۳۸۶). حقوق تجارت، جلد ۲. تهران: سمت.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۹۲). قاعده لاضرر و تأثیر آن در حقوق خصوصی. تهران: میزان.
- قاسم‌زاده، محمد. (۱۳۹۰). حقوق شرکت‌های تجاری. تهران: سمت.
- کاویانی، سیدحسین. (۱۳۹۸). حقوق تجارت شرکت‌های سهامی و تضامنی. تهران: سمت.
- گرجی، علی. (۱۳۹۹). حقوق شرکت‌های تجاری: ماهیت و کارکرد سهام. تهران: سمت.
- عرفانی، سیاوش. (۱۳۹۶). تحلیل حقوقی نقل و انتقال سهام شرکت‌های سهامی خاص. تهران: میزان.
- سعیدی، کوروش. (۱۴۰۰). «نقش اساسنامه در تحدید انتقال سهام بانام». فصلنامه حقوق شرکت‌ها.
- شریفی، سمانه. (۱۳۹۸). «تعارض حقوق مدنی و حقوق شرکت‌ها در انتقال سهام». پژوهش حقوق خصوصی.
- شهیدی، مهدی. (۱۳۹۳). عقود معین. تهران: میزان.

ب) منابع لاتین

- *Bebchuk, L., & Roe, M. (1999). Corporate Governance and Ownership Structure. Harvard University Press.*
- *Davies, P. L., & Worthington, S. (2016). Gower and Davies' Principles of Modern Company Law (10th ed.). Sweet & Maxwell.*

- Easterbrook, F. H., & Fischel, D. R. (۱۹۹۱). The Economic Structure of Corporate Law. *Harvard University Press*.
- Ferran, E. (۱۹۹۹). Company Law and Corporate Finance. *Oxford University Press*.

• قوانین و رویه قضایی

۱. لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت (۱۳۴۷).
۲. قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران.
۳. آرای وحدت رویه دیوان عالی کشور درباره اسناد عادی و مالکیت.
۴. مجموعه آرای محاکم تجارت - اداره کل حقوقی قوه قضاییه (۱۳۹۵-۱۴۰۴).
۵. نظریات مشورتی اداره حقوقی قوه قضاییه پیرامون انتقال سهام (موردی).